

میرفرخ هاشمیان:

هنوز خیلی‌ها به من خیره می‌شوند

نداروزه

میر فرخ هاشمیان با بازی در نقش علی و با فیلم بچه‌های آسمان به شهرت جهانی رفت، فیلم به آکادمی اسکار رسید و عکس او در کتاب‌های فارسی دوم متوسطه چاپ شد. اما همه این‌ها به پایانی خوش منتهی نشد. خودش می‌گوید: برای بازی در «بچه‌های آسمان» دستمزد نگرفتم، وضع پدرم آن موقع خوب بود و نیازی هم نداشتم، ولی مدتی بعد از بازی در آن فیلم زندگی‌مان زیر و رو شد و به جایی رسیدیم که درست مثل «بچه‌های آسمان» لنگ یک کتانی شدم. گفتگوی این بازیگر خاطره‌ساز را با ما هنام‌صبا می‌خوانید.

کنار هم‌دیگر قرار می‌گیرد که تو در یک راه خیلی سختی قرار بگیری و یک سری اتفاقات بد را تجربه کنی. دردی را تحمل می‌کنی که گاهی چنان سنگینی‌اش عرصه را برایت تنگ می‌کند که با خودت می‌گویی خدایا کاش زنده نمی‌ماندم و می‌مردم عوض زنده ماندن. خیلی سخت است.

پس احتمالاً با مسئله مشکلات روحی و افسردگی در باز یگران کودکی که بعد از درخشیدن در سینما رها می‌شوند، موافق هستی؟

بله، من کاملاً این موضوع را قبول دارم. انگار که تو یک دفعه بالا می‌روی و بعد یک باره زیر پایت را می‌کشند و تو بووووم زمین می‌خوری. این چه حسی دارد؟ واقعا ممکن است مغز آدم منفجر شود. بعد از آن هم دقیقاً تمام اتفاقاتی که گفتید برای فرد می‌افتد و خوب در طی این اتفاقات چیزهایی را تجربه می‌کند که خیلی بد است.

«بچه‌های آسمان» از آن دسته فیلم‌هایی است که هرگز از ذهن مخاطب فراموش نمی‌شود. به نظر من اولین تصویری که با شنیدن نام این فیلم به ذهن خظور می‌کند چهره مظلوم شما است، مخصوصاً با آن گریه‌های عجیب و معصومانه

میر فرخ هاشمیان: ممنونم. البته در مظلوم دیده شدن آن چهره فقط حالت چشم‌ها و گریه کردن، تاثیر نداشتند. فکر می‌کنم مظلومیت شخصیت من در «بچه‌های آسمان» از یک طرف به خاطر شگردهایی بود که آقای مجیدی استفاده می‌کرد، از طرف دیگر من آن زمان با این که ۹ سال بیشتر نداشتم خیلی غد و بزین بهادر بودم. معمولاً پسر بچه‌ای که یک کم پُرشور و شور است، زود گریه‌اش می‌گیرد، چون غرور دارد. چه برسد به پسر بچه‌ای که شیطنتش از همه بیشتر است و دیوار راست را بالا می‌رود. بیش فعال است دیگر!

اگر منطقی نگاه کنیم، نمی‌توان توقع داشت که همه کودکانی که یک بار در سینما دیده می‌شوند، حتماً در آینده باز یگران خوبی خواهند شد. ولی در مورد شما به جرات می‌توان گفت کاملاً پیدا بود که آینده درخشانی در پیش رو دارید. مستعد بودن‌تان به وضوح مشخص بود و به قول معروف، آن بازیگری داشتی.

خب گاهی یک سری مسائل برای آدم پیش می‌آید که آن مسائل، پیش‌زمینه اتفاقاتی می‌شوند که بعدها برایش می‌افتند. انگار تکه‌های پازل است. تکه‌های پازل

